

مسئله تثلیث قوله الاحلی:

هو الله - ای طالب حقیقت مسئله تثلیث بعد از حضرت مسیح الی الآن معتقد مسیحیان و تا بحال جمیع فضلاى ایشان در این مسئله واله و حیران و کل اعتراف نموده‌اند که این مسئله از عقل خارج است زیرا سه یک نشود و یک سه نگردد . جمع میان این دو مستحیل است یا یک است یا سه است اگر بگوئیم حقیقت الوهیت منقسم است ولو بوجهی از وجوه انقسام از لوازم امکان و حدوث است و قدم مبرّی اگر گوئیم که واحد در اصل واحد بود بعد منقسم شد تغییر و تبدیل در ذات احدیت لازم آید و تغییر و تبدیل از لوازم امکان است نه ذات الوهیت و اگر گوئیم این تعدّد قدیم است سه قدیم لازم آید و لابد ما بین این سه ما به الامتیازی هست آن نیز قدیم است در اینصورت پنج قدیم حاصل شد و در ما بین این پنج نیز ما به الامتیاز موجود نه قدیم لازم آید و هکذا الی ما لا نهایة لها در اینصورت تسلسل لازم آید و بطلان تسلسل مسلم است و همچنین آیات توحید در جمیع کائنات موجود و واضحست اگر جمیع کائنات را جمع کنی دو دانه نیابی که در جمیع شئون مساوی باشد لابدّ از فرق است در اینصورت آیت توحید در جمیع

اشیاء ظاهر و آشکار است تا چه رسد بموجد اشیاء اما در انجیل عباراتی صریح است که دال بر اقانیم ثلاثه است از جمله " پدر از پسر است " و " پسر در پدر " چون مسیحیان پی بمعنی این عبارت نبردند لهذا افکارشان پریشان شد اما حقیقت این مسئله اینست که وحدانیت الهیه ثابت است ولی تجلی در حقایق مقدسه میفرماید شمس شمس واحد است ولی در مرایای متعدده تجلی مینماید اگر نظر در مرآت نمائی و تجلی شمس مشاهده کنی گوئی آفتاب در آئینه است و آن آفتاب ظاهر در آئینه هر چند همان آفتاب آسمان است و هر چند دو آفتاب است ولی بحقیقت یکی است ولی با وجود این آفتاب از علو تقدیس و تنزیه تدنی ننموده و در این آئینه منزل و مأوی نگرفته اما تجلی فرموده حقیقت مسیحیه مانند آئینه مجلی بود و شمس حقیقت از افق تقدیس در آن آئینه تجلی فرموده بود لهذا واضح شد که شمس من حیث الحقیقه واحد است ولی در مرایای متعدده تجلی فرموده این مسئله بمفصلی از برای میس بارنی بیان گردید و او بر ورقی مرقوم نمود عنقریب بان اطلاع خواهید یافت و این مسئله مشکله بتمامها واضح و مشهود و مبرهن گردد و علیک التّحیة و الثّناء ع ع "